

گزارش «فرهیختگان» از ۳ دیدار مهم در مسقط، دوحه و واشنگتن

دوئل لاریجانی – نتانیا هو در ۴۸ ساعت



سفر هم‌زمان علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونی به عمان و آمریکا در روز سه‌شنبه (۲۱ بهمن ۱۴۰۴)، حکایت از نبردی موازی میان دو اراده پارادوکسیکال در خاورمیانه دارد. درحالی‌که لاریجانی با نقشه‌ای برای توافق موازن، راهی مسقط و دوحه شد تا مسیر گفت‌وگوهای غیرمستقیم راهموار کند، نتانیا هو فوراً به واشنگتن شتافت تا پیش از آنکه دیپلماسی به ثمر بنشیند، پادزهر زیاده‌خواهی را در کام مذاکرات بریزد. لاریجانی در عمان و قطر، نه‌تنها با مقامات بلندپایه سیاسی، بلکه با رهبران جریان مقاومت دیدار کرد تا نشان دهد تهران در عین آمادگی برای توافق هسته‌ای، برنامه‌ای برای به حراج گذاشتن عمق راهبردی و توان دفاعی خود ندارد. در مقابل، نتانیا هو با همراهی چهره‌های راست افراطی تلاش دارد تا ترامپ را به میرزابتویس مطالبات تل‌آویو تبدیل کرده و مذاکرات را به بن‌بست بکشاند. البته کشش‌های جنگ‌طلبانه دولت ترامپ در ماه‌های اخیر جای هیچ تردیدی را در فهم استراتژی واشنگتن باقی نگذاشته، اما نکته مهم این است که ترامپ زمانی زه کمان را رها می‌کند که از نشستن مستقیم تیر به قلب هدف مطمئن باشد. در خصوص پرونده ایران، آمریکا هنوز به این جمع‌بندی نرسیده و جامعه اطلاعاتی آمریکا مؤثر بر سیاست خارجی آمریکا نیز هشدار داده‌اند ایران گزینه‌های بیشتری از آنچه ترامپ و نتانیا هو تصور می‌کنند در آستین دارد. با این حال نتانیا هو تلاش دارد تا بر اتمسفر کاخ سفید مسلط شود و بر ذهن و ضمیر ترامپ اثر بگذارد.

دیپلماسی در مسقط ودوحه، لابی‌گری در واشنگتن

سفر علی لاریجانی به منطقه در شرایطی انجام شد که مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا وارد مرحله‌ای حساس و تعیین‌کننده شده است. وی در اولین ایستگاه خود در مسقط، با مقامات عالی‌رتبه عمان از جمله پادشاه این کشور، سلطان هیشم بن طارق و وزیر امور خارجه دیدار کرد. دیدار سه‌ساعته و کم‌سابقه او با سلطان عمان نشان‌دهنده عمق و جدیت رایزنی‌ها پیرامون رسیدن به یک «توافق موازن و عادلانه» بود. در همین بازه زمانی، لاریجانی با محمد عبدالله‌السلام، سخنگوی انصارالله یمن نیز در مسقط دیدار کرد که پیامی روشن از پیوستگی دیپلماسی و میدان در نگاه استراتژیک ایران به کل منطقه داشت. درحالی‌که لاریجانی در حال تثبیت کانال‌های میانجی‌گری در عمان بود، بنیامین نتانیا هو با هدفی کاملاً متضاد راهی آمریکا شد. نتانیا هو پیش از سوار شدن به هواپیمای تلو یحاً اعلام کرد قصد دارد اصول مذاکره با ایران را به ترامپ دیکته کند. او با همراهی مایک هاکبی، سفیر آمریکا در فلسطین اشغالی، به واشنگتن رفت تا به تعبیر بسیاری از ناظران، ترامپ را به سمت یک «ماجرایی تازه»

دیدار راهبردی با اعضای محور مقاومت

یکی از معنادارترین بخش‌های سفر لاریجانی، دیدارهای او با کادر رهبری حماس در قطر و سخنگوی انصارالله در عمان بود. این دیدارها در حالی صورت گرفت که رسانه‌های غربی و صهیونیستی به شدت بر این موضوع اصرار دارند که یکی از شروط اصلی آمریکا برای پیشرفت در مذاکرات، عقب‌نشینی ایران از حمایت از محور مقاومت است. حضور لاریجانی در جمع سران حماس و انصارالله درست در میانه مذاکرات، پاسخیه به این زیاده‌خواهی‌ها بود. تحلیل رسانه‌های غربی تا این لحظه این است که ایران به سختی مجاب خواهد شد تا نسبت به زیاده‌خواهی‌های طرف آمریکایی انعطاف نشان دهد. بسیاری از ناظران باور دارند که ایران به هیچ‌وجه نسبت به مطالبات آمریکا در خصوص برنامه موشکی کوتاه نخواهد آمد؛ هشدار که توسط مقامات کشور نیز به صراحت بیان شده است.

چه کسی مذاکره را شکست می‌دهد؟

ترامپ تاکنون نه‌تنها در هیچ مذاکره‌ای سربلند بیرون نیامده، بلکه متحدان سنتی آمریکا را نیز از واشنگتن دور کرده است. با توجه به فضای فعلی در صورت بن‌بست یا شکست مذاکرات، مسئولیت مستقیم آن متوجه طرف آمریکایی و فشارهای مخرب رژیم صهیونیستی است. این موضوع را می‌توان در چند علت صورت‌بندی کرد.

۱- ترامپ در یکی از مصاحبه‌هایش درباره توافق با ایران گفت: «نه سلاح هسته‌ای، نه موشک، نه این، نه آن، همه چیزهای مختلفی که ما می‌خواهیم!» این ذهنیت اولین مانع برابر هرگونه توافق است. ایران با حسن‌نیت و با پاسخ‌های مشخص به میز مذاکره در مسقط بازگشته است. لاریجانی به صراحت اعلام کرد که موفقیت مذاکرات منوط به پرهیز از طرح موضوعات خارج از چهارچوب هسته‌ای است. با این حال، تحت تأثیر سفر نتانیا هو، لحن ترامپ تغییر کرده و او بار دیگر بحث توان موشکی ایران را پیش کشیده است. این تغییر ناگهانی در قواعد بازی و جایه‌جا کردن تیرهای دروازه در میانه مسابقه، عامل اصلی هرگونه شکست احتمالی است؛ چراکه هیچ کشوری امنیت ملی و توان دفاعی خود را به مذاکره نمی‌گذارد.

۲- نرفته تا به صلح کمک کند، بلکه هدف او صراحتاً «فلج کردن برنامه هسته‌ای» و کشاندن آمریکا به یک ماجراجویی نظامی علیه ایران است. او به دنبال آن است که اراده خود را بر دولت آمریکا تحمیل و ترامپ را به میرزابتویس اهداف اسرائیل تبدیل کند. اگر مذاکرات شکست بخورد، علت آن را

و سخت‌گیری‌های بی‌سابقه علیه ایران سوق دهد. گزارش‌ها حاکی از آن است که نتانیا هو به دنبال ترغیب ترامپ به حمله نظامی با دست‌کم اعمال محدودیت‌های فلج‌کننده بر توان هسته‌ای و موشکی ایران است.

ایستگاه دوم سفر لاریجانی، قطر بود؛ جایی که دیپلماسی با پیچیدگی‌های بیشتری دنبال شد. هم‌زمان با حضور او در دوحه و دیدارش با شیخ تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر تماسی تلفنی با دونالد ترامپ داشت. این تماس که به گزارش منابع خبری با هدف کاهش تنش‌ها و برقراری ثبات در منطقه انجام شد، نشان‌دهنده نقش ویژه دوحه در انتقال پیام‌های مستقیم و غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن بود. لاریجانی در قطر نیز بر این نکته تأکید کرد که اگر طرف مقابل واقع‌بین باشد و از مطالبات اضافی دست بردارد، دستیابی به توافق امکان‌پذیر است، اما هرگونه تلاش برای گسترش موضوعات مذاکره به حوزه‌های دفاعی، به معنای خرابکاری در روند فعلی خواهد بود.

ایران به هیچ‌عنوان قصد ندارد در ازای امتیازات اقتصادی یا هسته‌ای، از نفوذ منطقه‌ای و عمق راهبردی خود دست بکشد. ناظران این دیدارها را پیام صریح به واشنگتن و تل‌آویو می‌دانند، به این معنا که محور مقاومت بخشی جدایی‌ناپذیر از امنیت ملی ایران است و هرگونه توافق احتمالی تنها بر محور پرونده هسته‌ای خواهد بود. رونمایی از شهرهای موشکی و استقرار موشک‌های بالستیک خرمشهر-۴ درست پیش از این سفرها، مکمل همین پیام بود که توان دفاعی و حمایت از متحدان منطقه‌ای، از خطوط قرمز غیرقابل مذاکره تهران هستند. در واقع، لاریجانی با این دیدارها نشان داد که ایران نه از موضع ضعف، بلکه از موضع قدرت و در قامت رهبری یک بلوک منطقه‌ای در حال گفت‌وگوست و هرگز به بهای توافق، پشت متحدان خود را خالی نخواهد کرد.

باید در لابی‌های سنگین صهیونیست‌ها جست‌وجو کرد که خواهان هیچ‌گونه ثباتی در منطقه نیستند و بقای خود را در استمرار تنش می‌بینند.

۳- بحران‌های داخلی رهبران آمریکا و اسرائیل در این زمینه نقش مؤثری دارند. هم ترامپ و هم نتانیا هو در وضعیت سیاسی متزلزلی قرار دارند. ترامپ با فشار انتخابات میان‌دوره‌ای و نتانیا هو با اتهامات قضایی و خطر شکست در انتخابات پارلمانی دست‌وپنجه نرم می‌کند. این دو نفر به دنبال یک «دستاورد بزرگ» یا یک «دشمن تراشی جدید» برای انحراف افکار عمومی خود هستند. به همین دلیل، آن‌ها به جای نگاه واقع‌بینانه به مذاکرات، از آن به عنوان ابزاری برای بازی‌های سیاسی داخلی خود استفاده می‌کنند و در این مسیر، صلح منطقه‌ای را قربانی منافع شخصی و حزبی خود می‌سازند.

۴- علت آخر مربوط به «عدم استقلال تصمیم‌گیری در واشنگتن» است. لاریجانی به‌درستی این پرسش را مطرح کرد که آیا ترامپ می‌خواهد یک رئیس‌جمهور مستقل باشد یا صرفاً مجری دستورات نتانیا هو؟ اگر آمریکا نتواند بین منافع ملی خود و خواسته‌های جنگ‌طلبانه اسرائیل تفکیک قائل نشود، هرگونه تلاشی برای دیپلماسی از پیش شکست‌خورده است. ایران آمادگی خود را برای حل مسائل از راه‌های مسالمت‌آمیز نشان داده، اما اگر واشنگتن ترجیح دهد به جای گفت‌وگوی منطقی، از زبان زور و تهدید استفاده کند، مسئولیت تبعات این انتخاب و برهم خوردن امنیت منطقه تماماً بر عهده کاخ سفید خواهد بود.

شاهدند که تهران تمام درهای دیپلماسی را باز نگه داشته؛ اما حاضر نیست زیر بار قلدری و باج‌خواهی برود. فشاری که حتی صدای اروپایی‌ها را درآورده و آن‌ها را به تقویت ارتش‌های خود و استحکامات اروپایی شرقی سوق داده است. بنابراین، هرگونه توقف در روند مذاکرات، سندی بر ناتوانی آمریکا در راهی از زنجیرهای لابی صهیونیستی و البته عدم اراده واقعی آن‌ها برای صلح است.

ایستادن رئیس‌جمهور در برابر

رادیکال‌های اصلاح‌طلب چه پیامی دارد؟

درس‌پزشکیان به خالی‌بندها

اولین واکنش‌ها به پاسخ صریح رئیس‌جمهور به علی شکوری‌راد، کنشگر سیاسی اصلاح‌طلب، آمیخته با تعجب بود. به نظر می‌رسید خیلی‌ها انتظار نداشتند مسعود پزشکیان که خود از اصلاح‌طلبان است، این‌گونه مقابل طیف تندروی این جریان بایستد. پزشکیان اما ایستاد و این ایستادن، هم دفاع از خودش بود، هم دفاع از نهادهای امنیتی ایران و هم فاصله‌گذاری معنادار پزشکیان با تندروها. شاید پزشکیان به‌عنوان یک اصلاح‌طلب میانه می‌خواهد چهره واقعی اصلاح‌طلبی را هم از دست تندروها نجات دهد. در روزهایی که با دستگیری برخی عناصر افراطی اصلاح‌طلب، تندروها دنبال مظلوم‌نمایی برای خود بودند، پزشکیان نشان داد مقهور این فضاسازی‌ها نمی‌شود و البته از آنچه در سخنرانی ۲۱ دی‌ماه خود گفته بود، کاملاً دفاع می‌کند، گرچه تندروها آن را تخطئه کرده و اشکال بگیرند که چرا رئیس‌جمهور گزارش نهادهای امنیتی در مورد وقایع ۱۸ دی‌ماه کشور را باور کرده است.

در مطلبی که پیرامون ادعاهای عجیب‌وغریب شکوری‌راد در مورد اتفاقات ۱۸ دی‌ماه نوشته بودیم، تصریح داشتیم که جریان اصلاح‌طلب در مورد این وقایع موضع واحد نداشته و با استفاده از موضع یک عضو می‌توان جواب عضو دیگر را داد. حال می‌توان سخنان پزشکیان را از این زاویه هم مدنظر قرار داد و مؤیدی بر آن نوشته در نظر گرفت. گرچه پیش از این هم، مواضع کسانی چون ماشاالله شمس‌الواعظین یا محمد عطریانفر از چهره‌های شاخص و قدیمی اصلاح‌طلب در تضادی آشکار با اصلاح‌طلبان رادیکال بود.

شفافیت پزشکیان

چرا سخنرانی ۲۱ دی‌ماه پزشکیان، تندروها را عصبانی کرد؟ و کسی مثل شکوری‌راد در آن قابل‌صوتی کذایی با حمله به رئیس‌جمهور می‌گوید که او نباید گزارش نهادهای امنیتی در مورد حوادث ۱۸ دی را باور می‌کرد؟ چرا ناراحت‌شده که پزشکیان از جزئیات خشونت براندازان در کف خیابان -از جمله سربریدن از سوی آشوب‌طلبان، گفته است. سخنرانی ۲۱ دی‌ماه پزشکیان را می‌توان یکی از مهم‌ترین سخنرانی‌های یک رئیس‌جمهور، خصوصاً با مختصات او دانست که شاید کم‌کاری ما رسانه‌ها بوده که بیشتر درباره‌اش ننوشتیم. رئیس‌جمهوری که کنشورش با یک شبه‌کودتای برنامه‌ریزی‌شده از سوی سرویس‌های امنیتی دشمن روبه‌رو شده و رئیس‌جمهوری که برآمده از جریانی سیاسی است که آن جریان، کمتر -خیلی کمتر- پیش‌آمده که توطئه خارجی در وقایع داخلی را بپذیرد و با علیه آشوب داخلی موضعی در محکومیت داشته باشد و همواره آشوب را به نام اعتراض تحریف کرده و مدافع آن شده و در مورد حملات به نیروهای حافظ امنیت یا تخریب اموال عمومی هم سکوت کرده است. حالا این رئیس‌جمهور گفته که می‌خواهد با مردم حرف بزند. او در آن سخنرانی صریحاً دخالت خارجی -آمریکا و اسرائیل- در وقایع ۱۸ دی را عنوان می‌کند و آن را در ادامه جنگ ۱۲ روزه و به دلیل ناکامی دشمن در جنگ ۱۲ روزه می‌داند. از سویی خط آشوب را از مسیر اعتراض مردم جدا می‌کند، از شهادت مردم و حافظان امنیت و خشونت داعشی رفته بر آن‌ها صحبت می‌کند و برای اول‌بار در آن چند روز، یک مقام عالی‌رتبه تصریح بر سر بریدن از سوی آشوب‌گران می‌کند. پزشکیان در ادامه، از مؤلفه‌های آشوب می‌گوید، از اینکه مسجد و قرآن و اموال عمومی و دولتی را تخریب کرده‌اند و مردم بی‌گناه را برای پیشبرد پروژه کثشت‌سازی هدف قرار داده‌اند و به پایگاه‌های نظامی حمله کرده‌اند و مغازه‌های مردم را آتش زده‌اند.

همه آنچه پزشکیان گفته، در تضادی آشکار با موضع تندروهای اصلاح‌طلب است و هم از این‌رو، برخی از آنان کوشیدند مواضع خود را شفاف‌تر بیان کنند و حتی رئیس‌جمهور را به راه‌راست که نه، به راه خود دعوت کنند و از این جمله، علی شکوری‌راد بود. کسی که ادعا کرد کل آشوب‌های دی‌ماه و کشته‌سازی‌ها و تخریب‌ها پروژه نهادهای امنیتی بوده است!

عبور فاصله‌گذاری پزشکیان از افراطی‌ها

پزشکیان در دیدار با فعالان سیاسی و فرهنگی استان گلستان به این سخنان شکوری‌راد پاسخ داد. گرچه در سایت رسمی ریاست‌جمهوری -president.ir- این بخش از سخنان پزشکیان منعکس نشده، اما سخنان او به‌سرعت دست‌به‌دست چرخید و بسیار دیده شد.

«ما اشتباه زیاد کردیم، اما اینکه کسی به اسم اصلاحات بگوید حاکمیت خودش این کارها را کرد، خیلی بی‌انصافی است! این چه حرفی است که کسی به اسم اصلاحات و روشنفکری حرفی را می‌زند که دشمن دلش می‌خواهد؟ آیا عقلانی است که بپذیریم ما خودمان بازار، مسجد و آمبولانس را به آتش بکشیم که بخوایم جامعه را مدیریت کنیم؟ بعد ترامپ و نتانیا هو بگویند که شما بروید آتش بزنید، ما می‌ایم!»

فراמתن اصلی این سخنان پزشکیان فاصله‌گذاری با افراط است. وقایع دی‌ماه را بسیار تحلیل کرده‌اند و مستندات متعدد هم وجود دارد که صدق ادعای ایران در مورد چگونگی رخداد آن وقایع را تأیید کند؛ از جمله فیلم‌های متعدد از آشوب‌گران و حملات آن‌ها، نحوه کشتار مردم، دفاعیات علنی و صریح مقامات اسرائیل و آمریکا، اذعان خود آشوب‌گران به حضور مسلح خود و...، اما آنچه می‌تواند در این پاسخ پزشکیان مهم‌تر تلقی شود، عبور او از تندروی کسانی است که هنوز هم با همه انتقادات به پزشکیان که چرا تند نمی‌رود، باز خود را در حلقه حامیان او تعریف می‌کنند و حتی در آن سخنان، شکوری‌راد با ژست دایه مهربان‌تر از مادر، درخواست می‌کند رهبری اختیارات خود را به پزشکشان تفویض کند، بی‌آنکه بگوید آیا اصلاً خود پزشکیان چنین چیزی می‌خواهد؟! در واقع تندروها می‌خواهند پزشکیان با نقشه آن‌ها حرکت کند، اما پزشکیان مرز پرنریگی در این میان کشید و نه‌تنها از آن‌ها عبور کرد، بلکه نشان داد که می‌خواهد این فاصله، بیشتر و بیشتر باشد و عیان هم باشد تا همگان بدانند حساب پزشکیان اصلاح‌طلب با تندروهای اصلاح‌طلب جداست.